



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# ياران نور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پاران نور

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

+مجمع البحوث الاسلامیه مشهد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	یاران نور
۷	مشخصات کتاب
۷	اتحاد و برادری یاران
۷	آرزوی شهادت
۷	اصحاب
۷	آگاهی و شناخت یاران
۸	آمرین به معروف و پیکار کنندگان با منکر
۸	ایمان استوار یاران
۹	ایمان و اطاعت از رهبری
۹	ایمان یاوران مهدی
۱۰	تواضع و فروتنی یاران
۱۱	خضر
۱۱	اشاره
۱۱	نام و نسب
۱۱	آیا خضر پیامبر بوده است؟
۱۱	ویژگیهای خضر
۱۲	آیا خضر را می توان دید؟
۱۳	رابطه خضر با اهل بیت
۱۳	علاقه شدید خضر به علی
۱۳	امام زین العابدین و حضرت خضر
۱۴	نقش حضرت در زمان غیبت
۱۴	راز عمر خضر برای استدلال به امام زمان

۱۵	سرانجام
۱۵	حضرت مهدی با ملائکه یاری می شود
۱۶	روایتی در مورد یاران حضرت مهدی
۱۷	سن یاران
۱۷	شب زنده داری یاران
۱۷	شجاعت یاوران مهدی
۱۷	اشاره
۱۷	عدم ترس
۱۸	عشق به شهادت
۱۸	قلب نورانی و دل فولادین
۱۸	جسم قوی
۱۹	عبادت یاران مهدی
۲۰	نه غرور و مستی و نه احساس ضعف
۲۰	همراهان مهدی
۲۱	وجود (یاران کارآمد)
۲۱	یاران امام زمان
۲۲	پاورقی
۲۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## باران نور

### مشخصات کتاب

### اتحاد و برادری باران

از ویژگیهای آنان، این است که اندیشه هایشان متحد و یگانه، دیدگاهشان همانند، دل‌هایشان به هم پیوسته و به هم گره خورده است نه اختلافی در رأی و اندیشه و گفتار آنان خواهی دید و نه در رفتارشان و همگی یک دل و یک قطب و یک زبان هستند. از امیر مؤمنان - علیه السلام - در وصف ایشان آمده است: «كأئما ربّاهم أبٌ واحدٌ وأُمٌّ واحدةٌ، قلوبهم مجتمعَةٌ بالمحبَّةِ والنصيحةِ» گویی یک پدر و مادر آنان را پرورانده و دل‌هایشان لبریز از مهر و محبت و خیرخواهی است.

### آرزوی شهادت

آرزوی بزرگ باران خاصّ امام مهدی - ارواحنا فداه - به دوش کشیدن بار مسئولیت و به انجام رساندن وظایف و جهاد و شهادت در راه خداست چرا که معنا و مفهوم حقیقی شهادت را به شایستگی دریافته و ارزش آن در بارگاه خدا را آنگونه که باید، شناخته اند. حضرت صادق - علیه السلام - فرمودند: «یدعون بالشهادة ویتمّون أن یقتلوا فی سبیل اللّٰه، شعارهم یالثارات الحسین» برای خود و دیگران طلب شهادت می کنند و آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند و شعار آنان خونخواهی حسین - علیه السلام - است.

### اصحاب

۱. عثمان بن سعید عمروی (متوفای سال ۲۵۷ق.م). ۲. محمد بن عثمان عمروی (متوفای سال ۳۰۴ق.م). ۳. حسین بن روح نوبختی (متوفای سال ۳۲۶ق.م). ۴. علی بن محمد سمری (متوفای سال ۳۲۹ق.م). این چهار تن نماینده بلافضل امام زمان (ع) بودند که در ایام غیبت صغری، پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)، از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹، به مدت ۷۰ سال به ترتیب، واسطه میان امام (ع) و شیعیان ایشان بودند. این چهار نفر به «نواب اربعه» مشهورند. ولی در هنگام خروج آن حضرت، ۳۱۳ نفر از یارانش به او پیوسته و نخستین هسته لشکریان امام (ع) را تشکیل می دهند. علاوه بر آنان، هزاران نفر در ایام غیبت آن حضرت به این مقام ارجمند نایل شده اند که بر دیگران پنهان مانده است و پنهان خواهد ماند. همچنین افراد بسیاری در ایام غیبت به محضرش شرفیاب گشته و از عنایاتش بهره مند شده اند که در این جا به نام برخی از آنان اشاره می گردد: ۱. اسماعیل بن حسن هرقلی. ۲. سید محمد بن عباس جبل عاملی. ۳. سید عطوه علوی حسنی. ۴. امیر اسحاق استرآبادی. ۵. ابوالحسین بن ابی بغل. ۶. شریف عمر بن حمزه. ۷. ابوراجح حمامی. ۸. شیخ حر عاملی. ۹. مقدس اردبیلی. ۱۰. محمد تقی مجلسی. ۱۱. میرزا محمد استرآبادی. ۱۲. علامه بحر العلوم. ۱۳. شیخ حسین آل رحیم. ۱۴. ابوالقاسم بن ابی جلیس. ۱۵. ابو عبدالله کندی. ۱۶. ابو عبدالله جنیدی. ۱۷. محمد بن محمد کلینی. ۱۸. محمد بن ابراهیم بن مهزیار. ۱۹. محمد بن اسحاق قمی. ۲۰. محمد بن شاذان نیشابوری.

### آگاهی و شناخت باران

از ویژگیهای آنان، اوج آگاهی و عمق دانایی و درایت آنهاست دل‌هاشان به نور معرفت درخشنده و نور باران است. به راهی که می روند یقین کامل داشته لذا همچون کنیزی که از مولای خود اطاعت می کند، از امام زمان - ارواحنا فداه - فرمانبرداری می نمایند. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «ورجال کانّ قلوبهم زبر الحديد، لا یثوبها شك فی ذات اللّٰه أشد من الحجر... هم أطوع

له من الأُمَّة لَسَيِّدَهَا كَالْمَصَابِيحِ... كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ» مردانی که دلهاشان بسان پاره‌ی آهن است. در ایمانشان به خدا و وعده‌ی او ذره‌ای تردید ندارند و باور آنان از کوه سخت تر است... ایشان در فرمانبرداری از سالار خویش مطیع تر از کنیز نسبت به مولای خود می‌باشند. آنان بسان چراغهای روشن‌نگرند... دلهایشان بسان مشعلهای پر نور است. زیبا و ژرفترین توصیف برای یاران آن حضرت را در این سخن زیبا می‌توان دید که می‌فرماید: هرگز قلب آنان به ذره‌ای از شک آلوده نمی‌شود. و این مقامی فراتر از فهم و درکهاست.

### آمرین به معروف و پیکار کنندگان با منکر

رسالت حضرت مهدی و یاران باوفایش احیاء دین خدا و اتمام رسالت انبیا و اولیا و اصلاح زمین که ظالمان و فاسدان با بدعت‌ها و ظلم‌هایشان روز خاکیان را مبدل به شب دیجوری کرده با شراره سم ستمشان، سیمای سپیده را روشنی بخشند و نقاب تزویر را از چهره مزوران برکشند و رسالتش را در دو عنوان سبز بسط در «قسط» و «عدل» خلاصه گردانند. «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا وَجُورًا». سیره رسول گرامی اسلام و همه معصومین (ع) بر امر به معروف و نهی از منکر بود، و از بدو دوران کودکی تا واپسین لحظات حیات آن را پاس داشته‌اند. یعقوب سراج، خدمت امام صادق (ع) می‌رسد در حالی که حضرت در کنار گهواره فرزندش حضرت موسی بن جعفر (ع) ایستاده و با او سخن می‌گوید. یعقوب گوید: من نشستم تا امام از سخن گفتن با فرزندش فارغ شد، پس برخاستم، امام صادق (ع) به من فرمود: نزدیک سرورت بیا و او را سلام گوی. من نزدیک گهواره رفتم و به کودک سلام کردم، امام موسی بن جعفر (ع) از درون گهواره با زبانی فصیح و گویا سلام را پاسخ گفت فرمود: «أَذْهَبَ وَتَغْيِيرُ اسْمِ ابْنَتِكَ الَّتِي سَمَيْتَهَا أَمْسَ فَاذْهَبْ اسْمَ بَيْغِضَةِ اللَّهِ» برو و آن نام را که دیروز بر دخترت نهاده‌ای تغییر ده زیرا این اسم را خدا دشمن دارد. آن‌گاه امام صادق (ع) فرمود: به دستور فرزندم عمل کن تا هدایت یابی. من نیز به دستور آن حضرت عمل کردم و نام «حمیرا» دختر یک روزه ام را تغییر دادم. بنابراین، یکی از اوصاف بارز یاران حجت، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. امام صادق (ع) در تفسیر آیه «الَّذِينَ ان مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ اِقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». می‌فرماید: برای آل محمد (ص) مهدی (ع) و اصحاب او، خداوند متعال مشارق و مغارب زمین را به تصرف آن‌ها درآورد، و دین را آشکار سازد، و خداوند متعال به وسیله او و یارانش بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد، هم‌چنان که سفیهان حق را میرانده باشند، تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود و عاقبت کارها به دست خداست.

### ایمان استوار یاران

یاران خاصّ حضرت مهدی - ارواحنا فداه - از نظر معنویّت و ایمان کامل و استوار و نداشتن ذره‌ای تردید در دلها بی‌نظیرند. آنان در اوج یقین و اخلاصند و بخاطر قوّت و استواری و کمال ایمان به خدا، ذره‌ای ترس و دلهره در کران تا کران وجودشان نیست چرا که انسان به هر اندازه‌ای که ایمانش به خدا افزون گردد، به همان اندازه توان و تلاش او افزون می‌گردد. بر این اساس یاران آنحضرت به هنگامی که به میدان کارزار گام می‌نهند نه کسی توان ایستادن در برابر آنان را دارد و نه پدیده‌ای می‌تواند مانع اجرای برنامه‌های نجات بخش و دستورات صادر شده از سوی فرماندهی بلند مرتبه‌ی آنان گردد. از امیر مؤمنان - علیه السلام - آمده که فرمودند: «كَأَنَّهُمْ لِيُوثُ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ مِثْلَ زَبْرِ الْحَدِيدِ، لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ الرَّوَّاسِي لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا فَهَمُّ الَّذِينَ وَجَّهُوا اللَّهُ حَقَّ تَوْحِيدِهِ». آنها همچون شیرانی که از بییشه‌ی خود خارج شده‌اند بر گرد آن حضرت حلقه می‌زنند آنان براستی مانند پاره آهنی هستند که اگر بر متلاشی نمودن کوهها تصمیم بگیرند آنها را نابود می‌سازند. آنان خدای را آنگونه که



شایسته است به یگانگی می پرستند. اگر در این جمله که - کأنهم لیوث قد خرجوا من غاباتهم - برآستی دقت شود وقتی شیر از بیشه ی خود خارج می شود دیگر چه کسی جرأت مقابله با او را دارد. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «إذا ساروا یسیرا الرعب امامهم مسیره شهر» هنگامی که به حرکت در می آیند امواج رعب و وحشت یک ماه پیشتر از ایشان حرکت می کند.

## ایمان و اطاعت از رهبری

امامت و رهبری، از ارکان دین مبین اسلام و محور و اساس همه کارها اعم از عبادی و غیرعبادی است: «و انه لیعلم ان محلی منها محل القطب من الرحا...» و همه اعمال اعم از فردی و اجتماعی به نوعی وابسته به امامت است. لذا ایمان به رهبری زمینه ساز فلاح و رستگاری مسلمانان است. همین ایمان و اطاعت از رهبری و پیامبر بود که در مدتی بسیار کم مسلمانان صدر اسلام از حقیض ذلت به اوج عزت رسیدند و پوزه ظالمان و متکبران را به خاک مالیدند چرا که به فرمان خدا به آن چه پیامبر می فرمود گردن می نهادند: «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» و بعد از رسول خدا شیعیان اهل بیت همان عقیده و ایمان را نسبت به ائمه اطهار داشته و یاران حجت(ع) در بالاترین درجه آن نسبت به امام زمان - علیه السلام - دارند که این عشق و ایمان در وجود آن حضرت متمرکز گردیده: «یتمسحون بسرح الامام علیه السلام یطلبون بذلک البرکة» این عشق به امام است که سر از پا نشناخته برای اطاعت و اجرای فرامین او شب و روز را نمی شناسند و در راه فرمان برداری او از یک کنیز نسبت به مولایش مطیع تراند و در هنگام خطرات برای دفاع از وجود او جانشان را فدا می کنند: «و یخفون به یقونه بآءنفسهم فی الحروب و یکفونه ما یوید... هم اطوع له من الائمة لسیدها» از وجود مبارکش و آن چه متعلق به اوست تبرک و شفا می جویند: کیست کاشفته آن زلف چلیپا نشود دیده ای نیست که بیند تو و شیدا نشود ناز کن ناز که دل ها همه در بند تو اند غمزه کن غمزه که دلبر چو تو پیدا نشود سر به خاک سر کوی تو نهد جان از دست جان چه باشد که فدای رخ زیبا نشود این عشق و علاقه امام و یارانش به حدی به هم گره خورده که «آن چه شخص امام بدان وصف شده اند، آنان نیز به آن توصیف گشته اند: انهم اذا ساروا الرعب امامهم سیره شهر هنگامی که به طرف مکانی حرکت می کنند، ترس از آنان پیشاپیش در دل مردمان افتد.» «لا یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل / آنان دست از شمشیرهای خود در پیکار با دشمنان دین باز نمی گیرند تا آن که خدای تعالی راضی شود.» این همه به سبب آن است که یاران مهدی شیعه کاملی برای مولای خود بوده و افعال و صفاتشان مطابق افعال و صفات امام علیه السلام می باشد.

## ایمان یاوران مهدی

ایمان از مهم ترین مایه های یک انسان خداجو است. پایداری، شجاعت، رشادت، ایثار، فداکاری و... یک انسان مومن ریشه در ایمان وی دارد. یاوران مهدی از مومنانی هستند که ایمانشان آن ها را به مرحله ای رسانده است که هرگونه شک و ربیی در دلشان راه نمی یابد. همان کسانی که به نقل روایات در ترنم روح بخش تلاوت قرآن و مناجات شبانه آن ها هم چون صدای زنبوران عسل درهم پیچیده و شب را تا به صبح به راز و نیاز با خدای خویش مشغولند. و خودخواهی ها و منیت ها را در زیر آسیاب تهجد سورمه کرده و با آن چشم دل را روشن نموده اند. خدا را با معرفت شناخته و ایمان به خدا در اعماق جانشان نفوذ کرده است. لذا در راه ایمان و اجرای فرامین الهی از هیچ مانعی هراس ندارند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای بیم به دل راه نمی دهند. چنان که صادق آل محمد(ص) از قرآن کریم اوصاف آن ها را بیان داشته و به ایمان آن ها و راهشان سفارش می کنند: سلیمان بن هارون می گوید: به آن جناب عرضه داشتم بعضی از این عجلیان گویند که شمشیر رسول خدا(ص) نزد عبدالله بن حسن است! فرمود: به خدا سوگند، نه او و نه پدرش با هیچ یک از دو چشمانش آن را ندیده، مگر آن

که پدرش آن را نزد حسین(ع) دیده باشد، و البته برای صاحب این امر محفوظ است، پس، مبادا به راست و چپ روی آوری، که به خدا سوگند امر روشن است. به خدا سوگند اگر اهل آسمان و زمین هم دست شوند که این امر را از جایگاهی که خداوند آن را در وی قرار داده برطرف سازند نخواهند توانست، و چنان چه همه مردمان کفر ورزند تا جایی که هیچ کس باقی نماند؛ همانا خداوند برای این امر کسانی را خواهد آورد که او شایستگان آن باشند. سپس فرمود: آیا نمی شنوی که خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید هر کدام از شماها از دین خود مرتد شوید پس به زودی خداوند قومی را که دوست می دارد و آن ها نیز خدا را دوست می دارند و نسبت به مومنان فروتن و بر کافران سرافراز و مقتدرند به نصرت اسلام بر می انگیزد...» تا آخر آیه را تلاوت فرمود و در آیه دیگر فرمود: «پس اگر این قوم به آن کفر ورزند، همانا قومی را که هرگز به آن کافر نشوند بر آن برگماریم». سپس حضرت فرمود: همانا (اهل) این آیه همان اهل آن آیه می باشند. آیه ای که امام صادق - علیه السلام - آن را تلاوت فرموده اند اوصاف مومنانی که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند چنین بیان می دارد: ۱- آن ها به خدا عشق می ورزند و جز به خشنودی او نمی اندیشند: «یجهم و یحبونه» ۲- در برابر برادران دینیشان خاضع و فروتن هستند: «اذله علی المومنین» ۳- نسبت به کافران ستم گر و کج اندیش، سرسخت، خشن و سرافرازند: «اعزه علی الکافرین» ۴- برای بسط عدل و اجرای فرامین الهی همواره در راه جهاد فی سبیل الله هستند: «یجاهدون فی سبیل الله» ۵- در جهت نابودی کافران و برچیدن بساط ستم گران کوشا و از هیچ ملامتی پروا ندارند: «و لایخافون لومه لائم». این ها همه از اعتقاد به خدا و ایمان به مقصد و میل به هدف آن ها نشاء گرفته و از آن ها انسان هایی ساخته که در حقیقت علاوه بر قدرت جسمانی چنان شهامتی دارند که از شکستن سنت های غلط و مخالف با اکثریتی که راه انحراف را پیش گرفته اند، و با تکیه بر کثرت عددی خود دیگران را به استهزا می گیرند، پروایی ندارند. بسیاری از افراد را می شناسیم که صفات ممتازی دارند، اما در مقابل غوغای محیط و هجوم افکار عوام و اکثریت های منحرف بسیار محافظه کار، ترسو، و بی جرئتند، و زود در مقابل آن ها میدان را خالی می کنند، در حالی که برای یک رهبر سازنده و افرادی که برای پیاده کردن افکار او وارد میدان می شوند، قبل از هر چیز چنین شهامتی لازم است. عوام زدگی، محیط زدگی، و امثال آن که همگی نقطه مقابل این امتیاز عالی روحی هستند، سد راه بیش تر اصلاحات محسوب می گردند. آری به دست آوردن این امتیازات و موفقیت ها در هر درجه ای که باشد علاوه بر کوشش خود فرد، مرهون فضل خداوند است که به هر کس بخواهد و شایسته بیند عطا کند و حاصل لطف اوست: «ذلک فضل الله یوتیه من یشاء».

## تواضع و فروتنی یاران

آنان قهرمانانی فروتن، متواضع و برخوردار از ارزش اخلاقی و انسانی اند و هرگز مغرور و مست قدرت نمی شوند. آنها به مقام والای حضرت مهدی - ارواحنا فداه - آنگونه که شایسته و بایسته است اعتقاد دارند؛ تا آنجا که نه تنها از وجود گرانمایه ی آنحضرت بهره می برند؛ بلکه از زین مرکب او نیز به افتخار تبرک می جویند و آن را مس می کنند. آنان بسان فداکارانی هوشیار، بر گرد آن سرچشمه ی برکات و والایها و ارزشها حلقه می زنند و جان خویش را در همه ی فراز و نشیبا و میدانهای جهاد و پیکار، سپر بلای جان گرامی او می سازند و دستورات و خواسته هایش را لیبیک می گویند. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «کَانَ عَلَی خَیُولِهِمُ الْعُقَبَانُ یَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ یَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبُرْکَةَ وَ یَحْفَوْنَ بِهِ، یَقُونَ بِأَنْفُسِهِمْ فِی الْحُرُوبِ وَ یُکَفُّونَهُ مَا یرید». چابک بسان عقاب بر مرکبهای خویش سوارند و در عشق به حضرت چنانند که زین مرکب او را برای تبرک جستن مسح می کنند و بر گرد یار حلقه می زنند و در فراز و نشیبا و پیکارها او را بسان جان شیرین با همه ی وجود محافظت می کنند و هر دستوری دهد او را بسنده اند و به انجام رساننده.

## خضر

### اشاره

بسیاری از ما نام خضر را شنیده ایم؛ چهره ای که سابقه چندین هزار ساله دارد، چهره ای که با پیامبر خدا یعنی حضرت موسی سفر دریایی داشت، چهره ای که از بهترین یاران ذوالقرنین بوده است. خداوند به او عمر طولانی داد تا بر طولانی بودن عمر امام زمان دلیل و برهانی قوی باشد. او را نگه داشت تا انیس و مونس تنهایی امام زمان ما در زمان غیبت باشد.

### نام و نسب

همانگونه که تاریخ نویسان در نام حضرت خضر اختلاف دارند، در نسب او نیز اختلاف دارند. طریحی به نقل این اقوال پرداخته می نویسد: خضر صاحب موسی بفتح خاء و بکسر آن و سکون ضاد و فتح و یا کسر آن. وی فرزند ماعید بن عیص بن اسحاق است. و برخی گفته اند: نامش ایلیا فرزند ملکاب بن قانع بن قانع بن ارفخشذ بن سام بن نوح می باشد. و در برخی شروح آمده که نامش الیاس بن ملکاب بن ارفخشذ بن سام بن نوح است. و گفته شده که نامش ایلیا بن عامیل بن شمالخین بن اریا بن علقما بن عیص بن اسحاق بن ابراهیم است. همچنین گفته اند نامش ارمیا بن حلشا، و از اسباط هارون بوده است. ولی اصح آن است که اهل سیر نقل کرده و آنچه که از پیامبر رسیده که نامش بلیا بن ملکاب عامر بن ارفخشذ بن سام بن نوح می باشد. بنابراین نام اصلی وی خضر نبوده بلکه به خاطر صفاتی که در او بوده است به خضر معروف شده است.

### آیا خضر پیامبر بوده است؟

در اینکه آیا حضرت خضر پیامبری از پیامبران و یا بنده ای از بندگان صالح خدا بوده بحث و گفتگوست. در بعضی اخبار آمده است که خضر و ذوالقرنین پیامبر نبوده بلکه هر دو عالم بودند. چنانچه برید بن معاویه از امام باقر و صادق نقل می کند که حضرت فرمود: صاحب موسی - خضر - و ذوالقرنین پیامبر نبودند بلکه عالم بودند. اما بسیاری از علما به استناد برخی آیات و روایات معتقدند که حضرت خضر(ع) پیامبری از پیامبران خدا بوده است. علامه طریحی می فرماید: بسیاری از علما می گویند وی پیامبر بوده و استدلال کرده اند به اینکه به موسی گفت: «و ما فعلت عن امری» هرگز این کارها را از پیش خود انجام ندادم. «علامه طباطبایی پس از آنکه مسأله عالم بودن خضر را مطرح می کند، بعد می فرماید: لکن آیات نازل شده در قصه خضر و موسی ظاهر در این است که وی پیامبر بوده است. و آنگاه اضافه می کند: آنچه که از روایات نبوی و از طریق اهل بیت وارد شده چنانکه محمد بن عماره از امام صادق آورده به دست میآید که خضر پیامبری مرسل بوده است که خداوند وی را به سوی قومش فرستاد. او نیز مردم را دعوت به توحید و اقرار به انبیا و رسل و کتابهای آسمانی نمود.

### ویژگیهای خضر

حضرت خضر(ع) دارای ویژگیهای زیادی است که به برخی از آنها به استناد روایات اشاره می کنیم: ۱- وی از جمله کسانی است که به چشمه آب حیات دست پیدا کرده و مقداری از آن را نوشیده است. ۲- خضر(ع) هم اکنون زنده است و تا نفخ صور زنده خواهد بود. امام رضا(ع) فرمود: خضر از آب حیات نوشید پس او زنده است تا نفخ صور دمیده شود. حلبی نیز در همین راستا آورده است که: اجمع العلماء بالنقل علی کون الخضر حیا باقی الی لان. ۳- خداوند به خضر(ع) توان و قدرت نیرومندی عطا

کرده، چنانکه طریحی می نویسد: خداوند به خضر توان و قدرت بسیار بالایی عطا کرد. و مسوول مقدمه الجیش ذیالقرنین بوده است. ۴- از خصوصیات و ویژگیهای خضر این بوده که به هر کجا می نشست آنجا سرسبز می گشت. امام صادق(ع) فرمود: بر هیچ تخته خشکیده ای نمی نشست مگر آنکه سبز می گشت و بر هیچ زمینی بیآب و علف قرار نمی گرفت مگر آن که سرسبز می گشت و به همین جهت خضر نامیده شد. همچنین گفته شده که هر گاه به نماز می ایستاد اطرافش سرسبز می گشت. ۵- قرآن مجید هر چند آشکارا نام او را نبرده است اما از او به عنوان عالم یاد کرده است و در سوره کهف در جریان ملاقات حضرت موسی با خضر چنین می فرماید: «فوجدا عبدا من عبادنا آتیناه رحمه من عندنا و علمناه من لدنا علما». ۶- هر کجا نامش برده شود فوراً حاضر می گردد. امام رضا(ع) در باره این ویژگی می فرماید: «و انه لیحضر حیث ما ذکر فمن ذکره منکم فلیسلم علیه ۷» هر کجا از او یاد شود همانجا حاضر می شود، پس هر یک از شما به یاد او افتاد بر او سلام کند. ۷- حضور همه ساله در مراسم حج. همچنین امام رضا(ع) می فرماید: «و انه لیحضر الموسم کل سنه فیقضى جمیع المناسک و یقف بعرفه فیومن علی دعاء المومنین ۸» همه ساله در مراسم حج حضور می یاب و تمام مناسک حج را نیز انجام می دهد، و در عرفات در کنار سایر حجاج خانه خدا می ایستد و بر دعای مومنین آمین می گوید. ۸- اندرز گویی و نصیحت پذیری. از دیگر ویژگیهای حضرت خضر(ع) این است که هم به دیگران توصیه و اندرز می داده و هم دنبال آن بوده که از نصایح و گفته های بزرگان و صالحان کمال بهره و استفاده را ببرد. مثلاً- گاه می بینیم که معصومین (علیهم السلام) امثال امام صادق و امام باقر و امام زین العابدین وصایای او را به موسی و اندرزهای خضر را به دیگران برای ما نقل کرده اند. و گاهی هم روایت کرده اند که خضر به محضرشان می رفته و درخواست نصیحت و توصیه می نموده مثلاً به امیرالمومنین پیشنهاد کرد که مرا به کاری راهنمایی کن که اگر آن را انجام دهم خداوند مرا از آتش جهنم نجات دهد.

### آیا خضر را می توان دید؟

در اینکه آیا می شود حضوراً به خدمت خضر رسید یا نه باز روایات دو دسته هستند دسته اول آنهایی می باشند که امکان رویت را نفی کرده حتی از امامان معصوم. مثلاً از امام رضا(ع) نقل شده که فرمود: «و اءنه لیا تینا فیسلم فنسمع صوته و لا نری شخصه ۹».. خضر نزد ما میآید و به ما سلام می کند پس ما صدایش را می شنویم ولی شخص او را نمی بینیم. همچنین از حضرت رضا(ع) روایت شده که هنگامی که رسول خدا رحلت کرد شخصی در خانه اهل بیت آمده و به آنان تعزیت و تسلیت گفت، اهل بیت صدایش را می شنیدند اما شخص او را نمی دیدند، حضرت علی(ع) فرمود این خضر است که آمده و مصیبت پیامبر را به شما تعزیت می دهد. و از امام زین العابدین شبیه آنچه که گذشت نقل شده است. و دسته دوم روایاتی هستند که از آنها چنین برمیآید: علاوه بر اینکه معصومین صدای خضر را می شنیدند شخص او را نیز می دیدند و گاهی هم یاران امام با خضر ملاقات می کردند. و بارها دیده شده که به حضور امامان رسیده و سوالاتی از آنان کرده که در برخی موارد پاسخ پرسشها را به فرزند معصومشان واگذار کرده اند. همانگونه که روایت شده امام باقر در حج بودند مردی به حضور امام رسید و دو زانو نشست و از آن حضرت سوالی کرد. امام باقر فرمودند از فرزندم جعفر(ع) پرس. و در آخر خبر آمده که امام باقر فرمود: این خضر است. همچنین از ملاقاتهای مکرر خضر با حضرت امیر که هم میثم تمار او را دیده و هم شرطه الخمیس شخص خضر را دیده بودند و به گمان اینکه او دشمن علی است و از تاریکی شب آمده است استفاده کند تا علی را ترور بنماید. و همچنین از ملاقات و گفتگوی مکرر خضر با امام زین العابدین در مدینه و در بین راه مکه و مدینه و از فرستادن امام صادق(ع) چوبی از درخت طوبی را جهت رفع تشنگی داود رقی به وسیله او و روایات متعدد دیگر استفاده می شود. خضر(ع) با اهل بیت(ع) تماس حضوری داشته بلکه بسیاری اوقات کارهای معصومین را نیز انجام می داده است. اما

نسبت به سایر مردم در زمان حیات معصومین گاه گاهی مورد رویت بوده است و اما در زمان غیبت، همانند خود امام زمان جز در موارد بسیار نادر، برای احدی قابل رویت و شناسایی نمی باشد.

### رابطه خضر با اهل بیت

بسیاری از روایات و احادیث دلالت دارند که حضرت خضر(ع) رابطه بسیار خوبی با اهل بیت پیامبر(ص) داشته بلکه طبق فرمایش امام رضا(ع) هر روز نزد معصومین(ع) می رفته و عرض سلام می کرده است. حضرت فرمود: و ائنه لیا تینا فیسلم فنسمع صوته و لانی شخصه. آری همو بود که پس از رحلت پیامبر خدا به در خانه اهل بیت آمده و به آنان تسلیت مصیبت رسول خدا را گفت و همو بود که پس از شهادت مولی الموحدین امیرالمومنین با شتاب در حالی که لاله الاالله می گفت خود را به در خانه علی رسانده و می گفت: خدای تو را رحمت کند ای ابالحسن تو اولین فردی بودی که به اسلام گرویدی، و از نظر ایمان خالص ترین آنها، و از همه یقینت به خدا شدیدتر و بیشتر از همه از خدا ترس داشتی... علی تو همانند کوهی بودی که هرگز بادهای و طوفانها او را از جای تکان ندهد. ابن عباس گوید: همگان سکوت کردند تا سخنانش تمام شد سپس خود گریه کرد و یاران رسول خدا را به گریه انداخت. سپس به دنبالش گشتند ولی او را نیافتند. و همو بود که پس از شهادت امام حسن(ع) در گوشه ای از مسجد الحرام در مصیبت آن حضرت اشعاری سوزناک می خواند. ابن عباس گوید: روزی که امام حسین(ع) به شهادت رسید صدایی از گوشه خانه به گوشمان رسید که می گفت: اصبروا آل الرسول قتل الفرخ النحولنزل الروح الامین ببکاء و عویلصبر کنید ای آل رسول الله! فرزندی که خدا به پیامبر هدیه کرد، کشته شد. جبرئیل امین نازل شد در حالی که گریه و زاری می کرد.

### علاقه شدید خضر به علی

بدون شک حضرت خضر از جمله کسانی بود که جایگاه معصومین بالاخص علی(ع) را خوب درک کرده بود. بدین جهت پس از رحلت رسول الله، این علاقه با خاندان پیامبر مستحکم تر شد و در تمام قضایایی که برای علی(ع) در مدینه رخ داد تا رفتن به سوی عراق و جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین، در کنار مولای متقیان و مایه دل خوشی علی(ع) و آرامش خاطر آن حضرت بود. «اصبغ بن نباته» گوید: امیرمومنان در حال نماز بود که مردی به طرف آن حضرت آمد، در حالی که بر تن او دو برد سبز رنگ بود و دو گیسوی بافته شده مشکی و محاسن سفید داشت. هنگامی که حضرت سلام داد، خود را بر روی امام انداخته و بر سر مبارک علی بوسه زد. سپس دست حضرت را گرفته، بیرون رفتند. به سرعت دنبال آنها رفتیم، از حضرت در باره او پرسیدیم، ایشان فرمود: این برادرم خضر است... همچنین اصبغ نقل می کند: بار دیگر در حالی که میثم تمار در کنار همان ستونی که حضرت نماز می خواند، ایستاده و نماز می گزارد، به میثم گفت: ای کسی که در کنار ستون نماز می گزاری! به صاحب خانه سلام مرا برسان و به او بگو که من از او شروع کردم، اما او را در حال استراحت دیدم. در خبر دیگری آمده است: روزی علی(ع) و خضر با هم دیدار کردند. علی(ع) فرمود: جمله حکمت آمیزی بگویی. خضر گفت: چه زیباست تواضع ثروتمندان برای فقرا، برای رضای خدا. علی(ع) فرمود: و بهتر از آن تکبر کردن فقرا بر ثروتمندان نشانه اعتماد و توکل به خداست، خضر گفت: این سخن را باید با آب طلا نوشت.

### امام زین العابدین و حضرت خضر

ابراهیم بن ادهم و فتح موصلی گویند: همراه قافله در صحرا و بیابان بودم. پس برای قضای حاجت از قافله فاصله گرفتم. ناگهان

چشمم به کودکی افتاد که در حال راه رفتن بود. پیش خود گفتم: سبحان الله! در صحرای بیاب و علف، این کودک چه می کند. نزدیک شده، بر او سلام گفتم. پاسخ مرا داد، پرسیدم: به کجا می روی؟ - به سوی خانه پروردگارم.. عزیزم، تو کودک هستی. نه حج واجبی بر تو هست و نه مستحبی.. ای پیرمرد آیا ندیدی که چه قدر کودکانی که از من کوچکتر بودند و از دنیا رفتند.. توشه و مرکب کجاست؟- توشه ام تقوای من و مرکب من دوپایم و هدفم مولایم است.. غذایی همراهت نمی بینم؟! - ای شیخ آیا پسندیده است که کسی تو را دعوت کند، آنگاه غذا از خانه برداری؟! - نه - آن کس که مرا به خانه اش دعوت کرده، او است که سیرم کند و سیرایم گرداند.. بیا و همراه من سوار شو تا مشاعر را درک کنی - یعنی به حج برسی - از ما تلاش در راه رفتن و از او ما را رساندن، آیا فرمایش خدا را نشنیدی که می گوید: و کسانی که در راه ما تلاش کردند، راه هایمان را به آنها نشان می دهیم، و به تحقیق که خداوند با نیکوکاران است. گوید: گرما گرم صحبت بودیم که جوانی خوش سیما در حالی که پیراهن سفیدی بر تن داشت، از راه رسید. دست به گردن آن پسر انداخت و به او سلام کرد. من به طرف آن جوان رفتم و عرضه داشتم: به حق آن کسی که خلق تو را نیکو گردانید، این پسر کیست؟ گفت: آیا او را نمی شناسی؟ این علی بن الحسین فرزند علی بن ابی طالب است. گوید: بلافاصله آن جوان را رها کردم و به طرف آن پسر رفتم و گفتم به پدرانت تو را سوگند می دهم بگوی این جوان کیست؟ - این برادرم خضر است و هر روز نزد ما می آید و بر ما سلام می کند. به حق پدرانت قسمت می دهم که به من خبر دهی، چگونه بدون توشه این دشت و بیابان را به پشت سر می گذاری؟ - آری با توشه این راه را طی می کنم و اما توشه را هم چهار چیز است.. - چیستند؟- تمام دنیا در نظر و زیر سلطه خدا می باشد و تمامی خلق، بندگان خدا و کنیزان و خانواده او هستند و تمام رزق و روزی را به دست او می بینم، همچنین فقط قضاء و مشیت الهی را در تمام زمین قابل نفوذ می دانم. گفتم! عجب توشه ای داری و تو ای زین العابدین با این توشه از گذرگاههای آخرت طی می کنی چه رسد به گذرگاههای دنیا.

### نقش حضرت در زمان غیبت

همانگونه که ملاحظه شد حضرت خضر(ع) در ایام حضور معصومین نقش بسیار مهمی را ایفا می کرد، گرچه بیشتر کارها و برنامه هایش را احدی جز آنها نمی داند که به برخی از آنها قبلا اشاره شد. اما در زمان غیبت بقیه الله الاعظم(ع) بدون شک کارهای زیادی را انجام می دهد که از آن بی اطلاع هستیم، اما کاری که طبق فرمایش امام رضا انجام می دهد آن است که: آن سلامی که به سایر معصومان داشته، بدون شک همان را نسبت به امام زمان ادامه می دهد و امام رضا فرمود: «و انه لیباءتینا فیسلم علینا» نزد ما می آید و به ما سلام می کند. و آن کارهایی که سایر معصومین در زمان حضور از جمله امام صادق به عهده خضر واگذار می کردند، یقینا در زمان غیبت امام زمان به او واگذار خواهد شد. از قبیل، رسیدن به فریاد در ماندگان در بیابانها و گم شدگان و غیر آن. و از همه مهمتر آن است که خداوند به وسیله خضر، امام زمان را در ایام غیبت از تنهایی بیرون آورده، مونس آن حضرت خواهد بود. امام رضا می فرماید: «و سیونس الله به وحشه قائمنا فی غیبتیه و یصل به وحدته» و در آینده خداوند به وسیله او وحشت قائم ما را در ایام غیبتش به انس مبدل خواهد کرد و یار آن حضرت در تنهایی خواهد بود.

### راز عمر خضر برای استدلال به امام زمان

مسئله مهم دیگر این است که خداوند عمر طولانی به خضر عنایت فرمود تا بر طولانی بودن عمر امام زمان دلیل باشد و بهانه را از دست دشمنان بگیرد. سدید صیرفی ضمن حدیث مفصلی از امام صادق(ع) در این جهت، می فرماید: و اما عبد صالح



یعنی خضر به درستی که خداوند هرگز عمر او را طولانی نمود تا اینکه نبوتی برایش مقدر کرده باشد و نه به جهت کتابی که بر او نازل شود و نه به جهت شریعتی که با آن، شریعت پیامبر را نسخ کرده باشد و نه برای امامتی که بندگان را به پیروی از او ملزم کند و نه برای طاعتی که خداوند برای او فرضی کرده باشد، بلکه چون در علم خدا گذشته بود که تقدیری در عمر حضرت قائم در ایام غیبت خواهد داشت و نیز در علم او انکار این جهت از امت گذشته بود، خواست تا عمر حضرت قائم به درازای عمر عبد صالح یعنی خضر طولانی شود. و این زنده نگه داشتن و طولانی کردن عمر خضر جز برای استدلال نمودن به عمر حضرت قائم و برای ابطال حجت منکرین هیچ دلیل دیگری ندارد.

## سرانجام

لاابد می پرسید که سرانجام کار خضر به کجا خواهد رسید و تا چه وقت زنده می ماند و آیا مرگ برای او هست تا نیست؟ پاسخ می دهیم از آنجایی که قرآن می فرماید: «کل نفس ذائقة الموت» مرگ بر همه مقدر شده، بنابراین خضر هم خواهد مرد اما چه وقت، این را باید از روایات و اقوال مفسرین به دست آورد. نیشابوری از ثعلبی نقل می کند که گفته می شود حضرت نمی میرد، مگر در آخر الزمان بعد از آنکه قرآن بالا می رود. و همچنین از نیشابوری نقل گردید که: آخرین کسی از بنی آدم از دنیا می رود، الیاس و خضر است. و از امام رضا(ع) نقل شد که فرمود: خضر زنده است تا نفع صور دمیده شود.

## حضرت مهدی با ملائکه یاری می شود

از روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم(علیه السلام) در مورد تعداد اصحاب حضرت مهدی(علیه السلام) وارد شده، استفاده می شود که تعداد ۳۱۳ نفر فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می باشند؛ خداوند به وسیله آنها و با تأیید ملائکه و فرشتگان، شرق و غرب جهان را می گشاید، و وعده خود را به اتمام می رساند، و ریشه کفر و شرک و الحاد را می سوزاند، و آیین حق را در روی زمین مستقر می نماید. اینک به قسمتی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است، توجه فرمایید: ۱- ابن عباس می گوید: روزی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) در باره نبوت خود و امامت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و یازده فرزند معصوم آن حضرت سخن می گفت، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعِيَّةً فَاخْتَارَنِي مِنْهَا فَجَعَلَنِي نَبِيًّا. ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلَهُ إِمَامًا، ثُمَّ أَمَرَنِي أَنْ أَتَّخِذَهُ أَحَاً وَوَصِيًّا وَخَلِيفَةً وَوَزِيرًا، فَعَلَيْتِي مِنِّي، وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ، وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي وَ أَبُو سَبْطِيِّ الْحَسَنِ وَ الْحَسَنِ بْنِ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ حُجَجًا عَلَى عِبَادِهِ، وَ جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) أئِمَّةً لِقَوْمُونَ بِأَمْرِي، وَ يَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي، التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي، وَ مَهْدِيُّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شِمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ، لِيُظْهَرُ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلُهُ، وَ خَيْرُهُ مُضْتَلِّهُ، فَيُعْلِنُ أَمْرَ اللَّهِ، وَيُظْهَرُ دِينَ الْحَقِّ، وَيُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ، وَيُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» به راستی که خدای تبارک و تعالی نظری به زمین افکند و مرا انتخاب نمود و پیغمبر قرار داد. بار دیگر نظری به زمین افکند و علی(علیه السلام) را انتخاب نمود و او را پیشوا و امام قرار داد. آنگاه به من فرمان داد تا او را، برادر، دوست، وصی، جانشین و وزیر خود گردانم. آری! علی از من است و من از علی هستم. او شوهر دختر من، و پدر دو نوه من حسن و حسین است. آگاه باشید که خدای تعالی، من و آنها را حجت بر بندگان خود ساخته، و از صلب حسین امامانی قرار داده است که دین مرا بر پا می دارند و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین آنها قائم اهل بیت من و مهدی اُمت من است که در خوی، گفتار و کردار از همه کس به من شبیه تر است. او بعد از غیبت طولانی و سرگردانی مردم، ظاهر می شود؛ امر خدا را آشکار می کند و دین حق را ظاهر می سازد. به یاری خداوند تأیید می گردد، و به وسیله فرشتگان یاری می شود، و زمین را پر از عدل و داد می نماید همان گونه که پر از ظلم و

ستم شده است» ۲- امام حسن مجتبی (علیه السلام) در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: «يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلَبَ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعْصِمُ أَنْصَارَهُ، وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَ يَظْهَرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا، يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا. لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ، وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صِلَحَ...» در آخر الزمان و سختی روزگار و جهالت مردمان، خداوند مردی را بر می انگیزد که او را با فرشتگان تأیید می کند و یارانش را محافظت می نماید، و او را با آیاتش یاری می دهد و بر سرتاسر زمین مسلط می گرداند، تا همگان در برابر او خواه ناخواه منقاد شوند. او زمین را از قسط و عدالت و نور و برهان پر می کند... طول و عرض جهان به تسلط او در می آید. در روی زمین کافری نمی ماند جز این که ایمان می آورد، و شخص ناشایستی نمی ماند جز این که به صلاح و تقوا می گراید» ۳- ابو حمزه ثمالی از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت در حدیثی فرمود: «لَوْ قَدَّ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَ الْمُزْدَفِينَ وَ الْمُزْنَلِينَ وَ الْكَرُوبِيِّينَ. يَكُونُ جَبْرَائِيلُ أَمَامَهُ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَ إِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، وَ الرَّعْبُ يَسِيرُ مَسِيرَةَ شَهْرِ أَمَامَهُ وَ خَلْفَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ حِيَاهُ... وَ مَعَهُ سَيِّفٌ مُخْتَرَطٌ، يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَ الدِّيْلِمَ وَ السِّنْدَ وَ الْهِنْدَ وَ كَابِلَ شَاهِ وَ الْخَزَرَ». «هرگاه قائم آل محمد (علیه السلام) ظهور کند، خداوند او را با فرشتگان نشاندار و... مقرب یاری می کند. جبرئیل، پیشاپیش او و میکائیل از طرف راست و اسرافیل از طرف چپ او حرکت می کنند. اُبَهِت و رعب و وحشت به فاصله یک ماه راه از جلو، عقب، چپ و راست او حرکت می کند (یعنی شعاع هیبت آن حضرت تا مسافت یک ماه راه را زیر پوشش می گیرد) و فرشتگان مقرب خدا خدمت گزاران او هستند. همراه او شمشیری برکشیده و برهنه است. خداوند متعال، روم، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خزر را برای او فتح می کند» ۴- عبد الرحمان بن کثیر می گوید: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» [۱۱] امر خدا فرا رسید، پس شتاب نکنید» فرمود: «آن امر ماست که خدا فرموده است نباید در آن شتاب شود. خداوند او را به وسیله سه سپاه یاری می کند: فرشتگان، مؤمنان و رعب و وحشت در دل دشمنان. و ظهور او مانند ظهور رسول اکرم است» ۵- ابان بن تغلب می گوید که امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمود: «سیزده هزار و سیصد و سیزده نفر از فرشتگان بر او نازل می شوند». من عرض کردم: این همه فرشته بر او نازل می شود؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آری! آنها عبارتند از: ۱- همه فرشتگانی که با حضرت نوح در کشتی بودند. ۲- همه فرشتگانی که به هنگام افتادن حضرت ابراهیم در میان آتش با او بودند. ۳- همه فرشتگانی که به هنگام شکافتن رود نیل برای بنی اسرائیل با حضرت موسی بودند. ۴- همه فرشتگانی که به هنگام عروج حضرت عیسی با او بودند. ۵- چهار هزار فرشته نشان دار که در خدمت رسول اکرم بودند. ۶- هزار فرشته که پشت سر هم، برای یاری پیامبر اکرم فرود آمدند. ۷- سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حضور داشتند. ۸- چهار هزار فرشته که در روز عاشورا برای یاری امام حسین (علیه السلام) فرود آمدند و به آنها اجازه جنگ و پیکار داده نشد... همه این فرشته ها هم اکنون در روی زمین هستند و انتظار قیام قائم (علیه السلام) را می کشند». از این روایات به خوبی استفاده می شود که فرشتگان مقرب خدا، خدمتگزار مهدی آل محمد (علیه السلام) می باشند، و او را در تشکیل حکومت واحد جهانی و خلافت اسلامی و اجرای عدالت و پیاده کردن احکام اسلام و برنامه های قرآنی یاری می دهند.

### روایتی در مورد یاران حضرت مهدی

معتب، آزاد شده امام صادق علیه السلام گفته است: شنیدم مولا-یم می فرماید: رسول الله فرموده است: پیامبری از پیامبران خدا، توسط قومش طرد گردید، او پناهنده به دیلم شد، مردم دیلم او را پناه دادند و یاری نموده و از او درخواست کردند که برای آنان دعا کند که خداوند عددشان را زیاد کند و قدرشان را افزون فرموده بر دشمن غالب گرداند و زمین و شهر آنها را از دستبرد دیگران نگاه دارد، و يجعل فیهم و منهم انصاراً للقائم المهدی من آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و از خدا خواست که در برابر



این احسان و عواطف، خداوند در میان آنها و از آنها، یارانی برای قائم آل محمد قرار دهد. [۲].

## سن یاران

آنچه در روایات آمده این است که اکثر یاران آن حضرت در سنین جوانی اند، از امیر مؤمنان - علیه السلام - آمده که فرمودند: «ان أصحاب القائم شباب، لا كهول فيهم إلا كالكلحل في العين، أو كالملح في الزاد وأقل الزاد الملح». یاران حضرت همگی جوان هستند و سالخورده در میان ایشان نیست مگر مانند سرمه در چشم یا نمک در توشه و کمتر چیزی که بعنوان توشه حمل می شود، نمک است. خلاصه تعداد پیران در بین اصحاب حضرت بسیار اندک است و اکثریت آنها جوان هستند. در روایات تعداد یاران آنحضرت که ابتدای ظهور در مکه حاضر شده و با او بیعت می کنند ۳۱۳ نفر ذکر شده است. از امیرالمؤمنین - علیه السلام - آمده که فرمودند: «... ثم إذا قام، يجتمع إليه أصحابه على عدة أهل بدر وهم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً». هنگامی که قیام کند یاران اصلی او که شمارشان ۳۱۳ نفر و به شمار یاران پیامبر در جنگ بدر است بسوی او اجتماع می کنند. امام باقر - علیه السلام - فرمود: «بیایع القائم - بین الركن والمقام - ثلاثمائة و نيف عدة أهل بدر فيهم النجباء من أهل مصر والابدال من أهل الشام والأخيار من أهل العراق». با قائم - ارواحنا فداه - میان رکن و مقام، ۳۱۳ شخصیت بزرگ - به شمار یاران پیامبر در بدر - بیعت می نمایند در میان آنها چهره های برجسته از مصر و شایستگی از شام و خوبانی از عراق هستند.

## شب زنده داری یاران

یاران آن گرامی عبادت کنندگان خاضع و خاشعند، شبانگهان را با نماز و نیایش و سوز و گداز عاشقانه به بارگاه خدا، به سحر رسانده و در نمازهای خویش زمزمه ای همچون آوای زنبوران عسل از ایشان شنیده می شود. در رکوع و سجود و قیام و قعودند و با وجود این روزها در اوج آمادگی و شهامت بر مرکبهای خویش، برای انجام دستورات حضرت مهدی - ارواحنا فداه - ایستاده اند. امام صادق - علیه السلام - فرمود: «رجال لا ينامون الليل، لهم دوى في صلاتهم كدوى النحل، يبيتون قياماً على أطرافهم ويصبحون على خيولهم، رهباناً بالليل، ليوث بالنهار». بزرگ مردانی که شبها را نمی خوابند برای آنها زمزمه ای در نمازشان همچون زمزمه ی انبوه زنبوران، شبها را شب زنده داری می کنند و صبح می کنند در حالی که بر مرکبهای خویش سوارند (و آماده پیکار) راهبان شب هستند و شیران روز.

## شجاعت یاوران مهدی

### اشاره

وصف بارزی که در روایات برای اصحاب آقا امام زمان - علیه السلام - برشمرده شده شجاعت یاران حضرت است، شجاعت وصفی ذاتی است که دارای لوازماتی است که بر روی هم این صفت برای فرد حاصل می گردد که اصحاب آقا واجد آن اوصاف بوده و ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

### عدم ترس

ترس و جبن از خصلت های مذموم یک انسان است، چرا که ترس نشأت گرفته از ضعف ایمان و یقین و عاجز بودن نفس است: «شده الجبن من عجز النفس و ضعف اليقين». شخص ضعیف النفس و ضعیف الايمان مایه امید از او گرفته شده، یقین به

رحمت الهی و پاداش روز جزا نداشته همواره در نوعی بیم و ترس به سر می برد. ترس از آن دارد که هر لحظه این دفتر عمر بسته شود و به دیار نیستی کوچ کند. اما شخص مومن در اقیانوسی از امید به سر برده و در همه مشکلات تکیه گاهش را خدا می داند و یقین دارد که: «ولله العزه و لرسوله و للمومنین.» دلیلی ندارد که احساس ضعف و ترس کند، بلکه ترس را عار و ننگ و نقصی برای خود دانسته و سعی در دوری از آن می کند: «احذروا الجبن فانه عار و منقصه» یاران مهدی که قلبشان مالا مال از عشق به خدا و یقین به روز جزا و یاری پروردگار است از هیچ کس هراسی به دل ندارند. یاد روی تو غم هر دو جهان از دل برد صبح امید همه ظلمت شب باطل کرد

### عشق به شهادت

از محک هایی که خداوند افراد راستگو و با ایمان را از افراد دروغگو جدا می سازد «تمنای مرگ است» یک فرد موم آن که آینده ای درخشان و زیبا برای خود پیش بینی می کند و عاشق کوی یار و قرب الی الله و هم نشینی اولیاء الله را در دلش زمزمه می کند همواره تمنای مرگ دارد: آتش بجانم افکند شوق لقای دلدار از دست رفت صبرم ای ناچه پای بردار «لولا اجل الذی کتب الله علیهم لم تستقر ارواحهم فی اجسادهم طرفه عین شوقا الی الثواب و خوفا من العقاب.» اصحاب حجت که مهدی (ع) را با معرفت شناخته و ایمان به راه و هدفش دارند و به او عشق می ورزند و همه هستیشان را فانی در وجود او می دانند، عاشق شهادت در راه وی هستند: «یدعون بالشهادة و یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله شعارهم یا لثارات الحسین علیه السلام» بنابر این، فردی که جانش را از هدفش بیش تر دوست دارد نمی تواند شجاعت ورزد، بلکه او باید همواره حافظ جانش باشد تا به او آسیبی نرسد لذا شجاعت شیرانی چون یاوران مهدی (عج) را می طلبد.

### قلب نورانی و دل فولادین

از دیگر اوصافی که یاوران مهدی - علیه السلام - دارا هستند «قلب قوی و فولادین» است که در روایات مختلفی تعبیر به «پاره های آهن» شده است: «تجییء الرايات السود من قبل المشرق کان قلوبهم زبر الحديد» و در روایات دیگر می خوانیم که قلب های آن ها سخت تر از پاره های آهن است «... و ان قلب رجل منهم اشد من زبر الحديد». آری قلب های آن ها پنجره هایی به آسمان معنا گشوده اند و دل ها را به ریسمان الهی پیوند داده اند خانه دل را با قندیل های ایمان روشن نموده اند: «کان قلوبهم القنادیل و هم من خشیه الله مشفقون.» اینان با پشتوانه ای از ایمان به خدا و یقین به روز جزا و هدفی مقدس «هم چون مشعل های فروزانند که دل های استوارشان بسان قندیل های نور در سینه های سترگشان آویخته است و این رادمردان تنها دل به خدای خویش داده اند و تنها از او هراس دارند» و قلب را به یاد او قوت بخشیده اند: «اءلا بذکر الله تطمئن القلوب.»

### جسم قوی

قدرت جسمانی از دیگر لوازمات اعمال شجاعت است که از اوصاف اصحاب صاحب الامر (عج) شمرده شده و در روایات قدرت آن ها را برابر با چهل مرد قرار داده است: «فان الرجل منهم یعطی قوه اربعین رجل» قدرت جسمانی برگرفته شده از ایمان راسخ به خدا و یقین به امامت و حقانیت هدف او است. یاوران مهدی (ع) با این قدرت جسمانی و روحیه عالی بوده که می توانند خط بطلان بر جمیع مفاسد کشیده و ظلم و جور را از صحنه گیتی براندازند. موالا با افراد ضعیف الجسه و ضعیف الایمان که چنین مهمی امکان ندارد کما این که امام علی بن موسی الرضا (ع) در پاسخ «دیان بن صلت» که از او سوال می کند که آیا شما صاحب این امر هستید؟! حضرت در جواب می فرماید: من صاحب این امر هستم ولکن من آن کسی نیستم که

زمین را پر از عدل و قسط کنم چنان که پر از جور و ستم شده چگونگی من می توانم با این ضعف جسمانی زمین را پر از عدل و قسط کنم و به درستی که قائم، آن کسی است که وقتی خروج می کند با این که دارای سن زیادی می باشد، ولی جوان است بدن او قوی حتی اگر دست های مبارکش را به طرف بزرگ ترین درخت دراز کند و او را به طرف زمین آورد می آورد و می شکنند، حتی اگر صیحه ای بین کوه ها زند از فریاد او کوه ها درهم ریزند...» حال برگردیم به سخن اصلی یعنی شجاعت اصحاب آن حضرت، با این اوصاف است که آن ها سدی محکم، نیزه و شمشیری برنده، و رکن رکنی هستند که حضرت لوط - علیه السلام - هنگام رویارویی با قوم کافر و منحرف خود تمنای آن ها را می کرد. «قال ابو عبدالله (ع) ما كان يقول لوط (ع) «لو ان لي بكم قوه او آوى الى ركن شديد» الا- تمنا لقوه القائم عليه السلام و لا ذكر الا بشده اصحابه فان رجل منهم يعطى قوه اربعين رجلا- و ان قلبه لاشد من زبر الحديد و لو مروا بجبال الحديد لتدكدكت [لقطعوها]، لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عزوجل» این روایت که بیان گویایی از شجاعت آن عزیزان است، ما را از ذکر دیگر احادیث بی نیاز می کند. در تشبیه قلب های آن ها به پاره های آهن یا به قطعات سنگ، برای تاکید بیش تر بر عظمت و شهامت آنان و نفی هر گونه ترس و وحشت از قلوب و افکارشان می باشد. پرواضح است که به کارگیری، واژه های شمشیر و نیزه نیز فقط به لحاظ تاثیر مادی آن ها نیست، بلکه نشانی بر توان فعالیت موثر آن ها می باشد یعنی آن ها در زمینه عمل و مبارزه دلیرتر از شیر و برتر از نیزه هستند. در بیان امام - علیه السلام - که می فرماید: «به هر فردی از آن ها نیروی چهل مرد داده می شود» مقصود محدود نمودن این نیرو نیست، بلکه تقریبی است برای میزان فوق العاده قدرت ایشان و اشاره است، بر اثر عملی فعالیت های هر یک از اصحاب مهدی (ع) که از کوشش گروهی مرکب از چهل نفر نیز فزون تر است... هنگامی که تلاش انسان با توانایی طبیعی، برای انجام کاری توأم می گردد مثل دوران جوانی، نتیجه کارها بهتر و کامل تر خواهد شد. و شاید به همین جهت است که بیش تر یاران «حضرت مهدی» را جوانان تشکیل می دهند، زیرا به سبب این که به صراحت با حق مواجه می شوند و آن را عمیقا درک می نمایند و با اخلاص تمام اطاعت امام خویش را پی می گیرند، هر کدام از توان و نیروی بزرگی برخوردارند. و حاصل تلاششان به نحوی است که گروه های بزرگ نیز از عهده آن بر نمی آیند. بیانات ائمه - علیهم السلام - مبنی بر این که به هر کدام از یاران مهدی (ع) نیروی چهل مرد داده می شود. گویای این نکته نیز هست که خداوند این توانایی را از راه های طبیعی، و نه از سر اعجاز، به آنان عطا می کند، چرا که نفس انسانی قابلیت این تکامل و ترقی را در شرایط معین و تحت تربیت خاصی دارا است. و این پرورش و شجاعت نه تنها صفت عمومی لشکر امام مهدی (ع) است، بلکه شامل تمام مومنان می شود. چرا که همه مومنان به نحوی جزء لشکر امام زمان هستند از این جهت است که در روایات آمده: «فلا یقی مومن الا صار قلبه اشد من الحديد و اعطاه الله عزوجل قوه اربعین رجلا- هیچ مومنی نمی ماند مگر آن که قلبش هم چون پاره های آهن گشته و خداوند به هر یک از آنان قدرت چهل مرد عطا گرداند.»

## عبادت یاران مهدی

آنان پارسایان شب اند که تا بامدادان به ذکر و راز و نیاز و بر قیام و قعودند. آتش عشق به معشوق و معرفت به ذات باری تعالی خواب را از دیدگان آنان ربوده است: جز خم ابروی دلبر هیچ محرابی ندارم جز غم هجران رویش من تب و تابی ندارم گفتم اندر خواب بینم چهره چون آفتابش حسرت این خواب در دل ماند چون خوابی ندارم سر نهم بر خاک کویش، جان دهم در یاد رویش سر چه باشد، جان چه باشد، چیز نایابی ندارم مردانی که شب هنگام زمزمه تلاوت قرآن و ذکر مناجاتشان، هم چون صدای زنبوران عسل درهم پیچیده و هیبت الهی آن ها را به قیام واداشته و بامدادان سوار بر مرکب ها شوند، آنان راهیان شب اند و شیران روز. گفتیم همه این عبادت ها و نیایش ها، رشادت ها و شهامت ها و... از ایمان یک

فرد مومن سرچشمه گرفته و اوصاف بارزی از معرفت و ایمان نهفته در قلب او است. که در این اعمال ظهور می یابد و هر چند درجه ایمان فزونی یابد در این اعمال نیز فزونی خواهد یافت و هیچ امری سد راه آنان نخواهد شد، نه تنها جهاد و کوشش آن ها را از عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی باز نمی دارد، بلکه این تلاش ها سبب می گردد تا حلاوت ایمان بیش تر در کام خود چشند و همه رفتارهای خود را رنگ و جلوه الهی دهند که چه رنگی بهتر از رنگ الهی: «صبغه الله و من احسن من الله صبغه و نحن له عابدون».

### نه غرور و مستی و نه احساس ضعف

آنان نه به آفت غرور و مستی گرفتار می شوند و نه از شمار اندک همراهان و پیشتازان در نخستین مراحل قیام و ظهور آنحضرت احساس وحشت و تنهایی می کنند. زیرا انسانی که دارای ارتباط عمیق و خالصانه با آفریدگار توانای هستی است با داشتن آن ارتباط و پیوند احساس وحشت نمی کند و نیز از پیوستن دیگران به راه و رسم نجات بخش و افتخار آفرین خویش و بسیاری همراهان، شادمان و مغرور نمی گردد. حضرت امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - فرمود: «يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ مِنْ أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ». خداوند بین دلهای آنها الفت برقرار می کند. ایشان از کسی و قدرتی وحشت ندارند و نه بخاطر پیوستن فرد یا قدرتی به گروهشان دچار شادمانی و غرور می گردند.

### همراهان مهدی

جبرئیل و میکائیل و تمام فرشتگانی که تاکنون به فرمان پروردگار روی زمین آمده اند، در حضور مهدی آل محمد(ص) خواهند بود. امام صادق(ع) به ابان بن تغلب فرمود: گویا سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته را همراه مهدی می بینم. ابان گفت: آیا این فرشتگان همراه پیامبری از پیامبران هم بوده اند؟ حضرت فرمود: آری، این فرشتگان در کشتی با نوح، در آتش با ابراهیم، هنگام عبور از دریا با موسی و زمان رفتن به آسمان با عیسی بودند. همچنین چهار هزار فرشته ای که همراه پیامبر بودند، سیصد و سیزده فرشته ای که در بدر فرود آمدند، چهار هزار فرشته ای که برای یاری حسین بن علی(ع) به زمین آمدند. اما اجازه جنگیدن از امام دریافت نکردند و پس از شهادت حضرت، تا روز قیامت بر وی می گریند... همه همراه قائم آل محمد(ص) خواهند بود. [۳]. افزون بر این، پیامبرانی چون حضرت عیسی و الیاس (علیهما السلام) [۴] نیز به افتخار حضرت بقیه الله به فرمان پروردگار از آسمان فرود آمده، پشت سر آن حضرت به نماز می ایستند. [۵]. بندگان صالح خدا یعنی حضرت خضر و اصحاب کهف [۶] و سیصد و سیزده تن دلداده مهدی(ع) به راه می افتند تا در حکومت امام عصر(ع) خدمات شایسته خود را انجام دهند. امام رضا(ع) فرمود: خضر آب حیات نوشیده، تا نفخ صور زنده است... و خداوند وحشت قائم ما را در روزهای غیبتش به وسیله او به انس تبدیل می کند. [۷] تمام گنجهایی که در طول تاریخ به گونه ای زیر زمین پنهان می شود، به فرمان پروردگار ظاهر گشته، در اختیار آخرین ذخیره الهی و مصلح حقیقی قرار خواهد گرفت. از گنجهای قسطنطنیه گرفته تا گنج کعبه و سایر اشیای گرانبهایی که ده ها و صدها هزار سال پیش برای چنین روزی و چنین کسی پنهان شده است. طاووس گوید: اموال و اشیای گرانبهایی که در درون کعبه بود، عمر را نگران کرد. او می گفت: نمی دانم با آنها چه کنم. آیا آنها را به حال خود واگذارم یا بیرون آورده، در راه خدا قسمت کنم. حضرت امیر به عمر فرمود: از تقسیم آنها چشم پوش زیرا تو صاحب این کار نیستی. کسی که عهده دار این کار می شود، جوانی از قریش است. او در آخرالزمان آنها را بیرون آورده، در راه خدا تقسیم می کند. [۸] علی(ع) درباره گنج قسطنطنیه می فرماید: امام مهدی(ع) با همراهان خود به شهر قسطنطنیه — که محل پادشاهی و سکونت پادشاه روم است... می رسد. پس سه گنج از آنجا بیرون می آورد: گنجی از جواهرات و گنجی از طلا و

گنجی از نقره. او همه آنها را بین سپاهیان‌ش قسمت می‌کند. [۹].

## وجود (یاران کارآمد)

روشن است که مهم‌ترین وظیفه‌ی دولت امام مهدی (ع) ریشه کن کردن ستم و ستمگران از سطح جامعه و ساختن جامعه‌ای پاک و با طراوت در سراسر کره‌ی زمین است. و نیز روشن است که پاک‌سازی چنین جامعه‌ای از لوٹ و وجود پلیدی‌های ناشی از دوری انسان‌ها از کرامت انسانی خویش، آن هم بدون هیچ گونه سُستی و کوتاه آمدن در اجرای دستورهای حیات بخش‌خداایی، مستلزم درگیری با پایگاه‌های سلطه‌ی اهریمنانی است که منافع خویش را فقط در دل سیاه جامعه‌ی دور از اولیای خدا یافته‌اند. اصلاح چنین جامعه‌ای که لبریز از بیدادگری و فساد است، کاری بس دشوار خواهد بود؛ زیرا، همان‌طور که در گذشته بدان اشاره شد، قلم قضای الهی چنین مقدر کرده که امام برنامه‌های خود را از راه‌های عادی و در چهارچوب ملاک‌ها و قانون‌های طبیعی به اجرا در آورد که یکی از آنها پیشرفت دین و آیین خدا از طریق یاری بندگان صالح است. از طرفی، اداره‌ی جامعه‌ای رهیده از بندهای بردگی شیطان پرستان، آن هم به گسترده‌گی تمام زمین، دولتی قوی و کارآمد می‌طلبد، دولتی که تشکیل یافته از یاران و دست‌یارانی ویژه باشد، یاورانی نستوه و خستگی‌ناپذیر که از هر جهت شایستگی‌های لازم برای تحمّل مبارزات طاقت فرسای اولیه و سختی‌های اداره‌ی جامعه‌ی پس از ظهور را داشته باشند تا در کنار ایشان، ناهمواری‌ها، هموار گردد و آن رهبر یگانه از بیابان غربت و تنهایی رها شود و زمین را لبریز از عدل و داد کند. این، مطلبی است که علاوه بر برخورداری از پشتوانه‌ی عقلی، در برخی از روایات هم مورد اشاره قرار گرفته است. فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که درباره حضرت مهدی فرمود: له کنز بالطاقان ما هو بذهب ولافضة...، و رجالاً کأن قلوبهم زبرالحديد... بهم یَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ؛ برای حضرت مهدی گنجی است در طالقان که از جنس طلا و نقره نیست... مردانی هستند که استواری دل‌هایشان برای دین خدا، همانند آهن است... خداوند متعال، به دست ایشان، امام و پیشوای حق را یاری می‌کند. در حدیث دیگری مفصل بن عمر از امام ششم، حضرت جعفر بن محمد صادق، روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: وقتی امام مهدی ظهور می‌کند، از جمله اوصافی که برای یاران خویش، هنگام فراخواندن ایشان، بیان می‌کند، این صفت است: «وَمَنْ ذَخِرَ لِنُصْرَتِي... ای کسانی که خداوند شما را برای یاری و نصرت من ذخیره کرده است. در روایتی از اهل سنت آمده است: عن ابی جعفر قال: یظهر المهدی فی یوم عاشوراء...، قائم بین الرُّکن والمقام، و جبریلُ عن یمینِهِ ومیکائیل عن یساره، و تصیرُ إِلَیْهِ شِیعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تَطْوِی لِهِمْ طَبِئاً حَتَّى یَبِیَعُوهُ، فِیْمَلَأُ بِهِمُ الْأَرْضَ عَدْلًا، کَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ مهدی (ع) در روز عاشورا ظهور می‌کند... او، کنار خانه‌ی خدا بین رکن و مقام می‌ایستد. جبریل، در سمت راست او، و میکائیل، در سمت چپ او قرار می‌گیرد. شیعیان او، از مناطق مختلف (گوشه و کنار) زمین به سوی او روانه می‌شوند، به گونه‌ای که گویا زمین زیر گام‌هایشان حرکت می‌کند، تا این که با او بیعت می‌کنند. او، با کمک ایشان، زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌طور که مالمال از ستم آشکار و نهان گشته بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این دو روایت شریف، تصریح شده است که امام زمان (ع) با کمک یاران با وفایش، زمین را پر از عدل و داد می‌کند. و باید دانست که این، مسیری است که با مرور کردن تاریخ و بررسی سرگذشت اولیای خدا در امت‌های پیشین، به روشنی، به ما رُخ می‌نمایاند. آری! سنت الهی برای پیشبرد اهداف دین و آیین حق، بر پایه‌ی یاری و مدد رسانی انسان‌های صالح به اولیای الله استوار شده است.

## یاران امام زمان

در ستایش از این گروه وارسته و شایسته‌ای که خداوند اینان را برگزیده است و به همراهی و یاری حضرت مهدی - ارواحنا فداء - مفتخرشان ساخته، روایات بسیاری وارد شده است. در این روایات ضمن ترسیم شخصیت ارزشمند و نقش سازنده و اوصاف

برجسته ی آنان، از چگونگی پیوستن آنان به امام عصر - ارواحنا فداه - در مکه، سخن رفته و فراتر اینکه، آیاتی از قرآن شریف در مورد آنان تأویل شده است. از باب نمونه در ذیل آیه ی شریفه ی: (فاستبقوا الخیرات اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً) در کارهای نیک سرعت جوئید که هر کجا باشد خداوند شما را گرد خواهد آورد. از امام صادق - علیه السلام - آمده است: یعنی اصحاب القائم، الثلاثمائة و بضع عشر وهم - والله - الأمة المعدودة یجتمعون فی ساعة واحدة کقزع الخریفین آیه ی شریفه اشاره به ۳۱۳ نفر یاران اصلی حضرت مهدی - ارواحنا فداه - دارد. بخدای سوگند! که آنان در شمار، اندک هستند. اما در کار آیی و ایمان و شکوه معنوی بسیار و بسان ابر پراکنده ی پائیزی (که بناگاه به هم می پیوندند و متراکم می شوند) آنان ظرف لحظه ای در یک ساعت معین از سراسر گیتی در مکه حاضر می گردند. امام صادق - علیه السلام - فرمود: «بينا شباب الشيعة علی ظهور سطوحهم نیام، اذ وافوا إلی صاحبهم فی لیلۃ واحدة علی غیر میعاد فیصبحون بمکه» یعنی به هنگام ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - جوانان و جوانمردان شیعه همانگونه که بر پشت بام خانه های خویش در خواب اند همگی یک شب بدون وعده ی قبلی، بامداد را در مکه حاضر و به دیدار امام عصر - ارواحنا فداه - مفتخر می گردند. در روایات از خصوصیات اخلاقی یاران آنحضرت و تعداد آنها و جنسیت قومی ایشان تعابیر زیادی وارد شده که بدان اشاره می کنیم. لیک از باب مقدمه در یک بینش کلی امیر مؤمنان - علیه السلام - در اشاره به شخصیت آنان می فرماید: «لم یسبقهم الأولون ولا یدرکهم الآخرون» آنان در شایستگی و امتیازات بر اوج رفیعی هستند نه از نسلهای گذشته کسی از آنان پیشی گرفته است و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنان می رسد. در مورد نحوه ی رساندن خود به آنحضرت به مقامی رسیده اند که زمین در زیر پای آنها پیچیده می شود. امام صادق - علیه السلام - در مورد آنان می فرماید: «فیصیر إلیه أنصاره من أطراف الأرض، تطوی لهم الأرض طیاً» یعنی یاران مهدی - ارواحنا فداه - از نقاط مختلف زمین بسوی او حرکت می کنند و زمین زیر پای آنان در هم می پیچد.

## باورقی

- [۱] دلایل الامامه طبری، ص ۲۳۸.
- [۲] غیبه نعمانی، ص ۳۱۱.
- [۳] در عقد الدرر، ص ۲۷۸ چنین آمده است: عیسی به دستور پروردگار همراه هفتاد هزار فرشته به زمین میآید.
- [۴] معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۱۷.
- [۵] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۷.
- [۶] کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰.
- [۷] الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۱۱.
- [۸] همان، ص ۱۶۱.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند



بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

